

یکشنبه • ۱۳ بهمن ۱۳۹۲ • سال یازدهم • شماره ۱۹۴۳ • ۷

شرق روزنامه

سیاست • گزارش

راه ناهموار زنان مدیر	صفحه ۸
آخرین انتصاب مدیران زن در استان‌ها	صفحه ۸
هیپنوتیزم رایانه‌ای برای گوش به فرمانی کودک	صفحه ۱۰

نگاه	
مطالبات زنان در عرصه مدیریت	
مشارکت سیاسی زنان در ایران یکی از محورهای قابل بحث در تعاملات اجتماعی‌است.همان‌طور که تعمیق مشارکت در تمام سطوح جامعه یکی از شاخص‌های توسعه است حق مشارکت سیاسی نیز در راستای این مفهوم قابل توجه است. نرخ‌های بالای مشارکت در حوزه رای‌دادن و آفرزن شدن درصد ورودی دختران نسبت به پسران به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به‌همراه حضور موثر آنها در عرصه‌های گوناگون اجتماعی بیانگر مجموعه‌ای از توانایی‌ها و احسان نیاز است که برخی رویکردهای اجتماعی - سیاسی و فرهنگی، موانعی را در قالب سازمانی و فردی در پیش‌روی آنها ایجاد کرده است.از این‌رو اکنون زنان با آشنایی نسبی به حقوق فردی که حق مشارکت سیاسی نیز بخشی از آن است توجه به این مهم را به‌عنوان یک حق مدنظر قرار داده‌اند.با وجود این عدم حضور زنان در پست‌های مدیریت میانی و به‌خصوص مدیریت کلان ذهن جامعه بانوان ایرانی را به خود مشغول کرده است. «زرها نژادپهرام» در کتاب «موانع مشارکت سیاسی زنان در ایران» با استناد به آمارهای رسمی و با روش تحقیق و پرس‌وجو از زنانی که پست‌های مدیریتی را اشغال کرده‌اند، کوشیده به این سوال پاسخ دهد که با توجه به رشد روزافزون زنان در عرصه‌های اجتماعی و گاهی سیاسی چرا آنها موفق نشده‌اند درصد قابل توجهی از مشاغل سیاسی را به خود اختصاص دهند. او در پایان کتاب به آمارهایی اشاره می‌کند که مبین این مساله است.به عبارت دیگر در حوزه قدرت سیاسی بخش بزرگی از توان و انرژی منابع انسانی به کار گرفته نمی‌شود یا اگر هم آثاری از به‌کارگیری آنان وجود دارد بسیار محدود است، آنگونه که شاید بتوان آن را با اصطلاح «نادیده‌نگاشتن» همراه کرد. در این کتاب که مربوط به قبل از سال ۱۳۸۸ است، آمده هم‌اکنون نرخ مشارکت سیاسی زنان در قوه مقننه نزدیک به چهاردرصد و در شورای شهر و روستا حدود ۱/۵درصد و در سطح مدیریت عالی نزدیک به ۱/۲درصد است. او در ادامه نتیجه می‌گیرد که برخی از قوانین مجری به تقویت مبانی نابرابری در عرصه قدرت شده و زمینه را برای مانع‌از دستیابی زنان به مدیریت سیاسی کشور فراهم می‌کند. وجود قواعدی چون نقش‌ای بی‌تغییر ازپیش‌ساخته برای زنان در حوزه خصوصی و کمربندبون نگاه مثبت و بیشتر در عبور از این قواعد بخشی از تصویر حقوقی است که جامعه ایرانی را در دوران پیش و پس از انقلاب مبتنی از انقلاب ساخته است. هرچند آمار ارائه‌شده در کتاب فوق‌الذکر مربوط به قبل از سال ۸۸ است اما با یک نگاه اجمالی می‌توان دریافت که در سال‌های پس از آن نیز جز اختصاص مسوولیت یک وزارتخانه و نیز معاونت یکی از مقاطع وزارت آموزش‌وپرورش به زنان قدم مهم دیگری در این زمینه برداشته نشد. هرچند داشتن یک وزیر زن برای اولین‌بار سپس از انقلاب برای جامعه بانوان فرصتی مغتنم بود اما هرگز کافی و راضی‌کننده نیست. همچنین به گزارش فوریه ۲۰۰۶ بین‌الحکام بین‌المجالس جهان (IPU)، یک‌پنجم نمایندگان منتخب پارلمان‌ها و مجالس قانونگذار کشورهای جهان در سال ۲۰۰۵ زن بوده‌اند. در عین حال میانگین تعداد نمایندگان زن در پارلمان‌های ۱۸۷ کشور جهان از ۱۵/۷درصد در دسامبر ۲۰۰۴ به ۱۶/۳درصد در سال ۲۰۰۵ افزایش یافته است. در ۲۸ کشور که در سال ۲۰۰۵ انتخابات پارلمانی برگزار کرده‌اند تعداد زنان نماینده افزایش یافته و بیشترین افزایش در آمریکا لاتین دیده می‌شود. با این حال شاید غیرقابل‌باور باشد که هشت دوره مجلس شورای اسلامی، پس از انقلاب تنها ۶۸ نماینده زن داشته است و طی ۳۱ سالی که از تشکیل این مجلس در ایران می‌گذرد تنها ۴۵ نفر نماد مشارکت زنان ایرانی در نهاد قانونگذاری کشور بوده‌اند. این در حالی است که تعداد کل نمایندگان مجلس تا پایان دوره هشتم، دوهزار۲۰۰ نفر بوده که در ۶۸ در مقابل این عدد، بسیار ناچیز است. این در حالی است که در افغانستان سه زن، پاکستان یک زن، کویت یک زن، امارات دو زن، سنت لوسیا یک زن، قطر یک زن و یمن، سه زن، زب، چین دو زن، بحرین دو زن، عراق سه زن، اسرائیل دو زن و ویتنام، سه زن دارای سمت‌های وزارتی هستند. برنامه چهارم توسعه کشور دلائلی‌محور است که از یک سو بر ایجاد ظرفیت‌های دانیای و آگاهی میان اقشار مختلف مردم و از سوی دیگر بر بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های ایجادشده در نیروی انسانی برای توسعه همه‌جانبه کشور تاکید می‌کند. به‌همین‌خاطر در شرایط فعلی با توجه به روی کارآمدن دولت تدبیروامید که نگاهش به همه مسایل نو و مدرانه است و با توجه به وعده‌های انتخاباتی ریاست محترم جمهور، وقت آن است که به مطالبات جامعه بانوان با نگاهی ویژه و در خور توجه شود. در این راستا ذکر چند نکته لازم است: عدم نگاه جنسیتی در انتخابات و ایجاد فرصت‌های برابر در نصب و انتصاب‌های مدیریتی بین زنان و مردان و شایسته یکی از اولیترین حوزن زنان به‌عنوان نیمی از جامعه است. وجود نگاه جنسیتی به شایسته‌ترین ویژه در نصب و انتصاب‌های مدیریتی در سطوح عالی و میانی بی‌تردید نگاهی ویژه در نصب و انتصاب‌های مدیریتی در سطوح عالی و میانی به شایستگی‌های بانوان می‌تواند اولین گام در این راه باشد. متأسفانه هر چند پس از انتظاری نسبتا طولانی مسوولیت تنها نهاد مربوط به زنان یعنی مرکز امور بانوان ریاست‌جمهوری تعیین تکلیف شد اما اندکی پس از آن اخبار حذف برخی از پست‌های ویژه بانوان به بهانه کوچک کردن دولت، جامعه بانوان ایرانی را به این باور نزدیک می‌کند که هنوز صادیاشان شنیده نشده و حضورشان نادیده انگاشته می‌شود.	

یادداشت	
سراب مشارکت زنان در لایه‌های میانی	
زهر ا رستگاری‌نیا با وجود گذشت بیش از پنج‌ماه از شکل‌گیری دولت حسن روحانی، آنچه بیش از سایر موارد حامیان و همراهان وی را در حوضه سیاست داخلی نگران کرده و رفته‌رفته در حال تبدیل‌شدن به پاشنه آشیل این دولت است، تأخیر و کندی سرعت تغییر مدیران دولت گذشته است؛ مدیرانی که قریب‌به‌انقاششان فاصله‌ای جدی با خطمشی و سیاست‌های دولت تدبیر و امید دارند. به‌نظر می‌رسد فشار و مقاومت اصولگرایان حاضر در قدرت اجرایی در بازپس‌دهی قدرت و مسوولیت از یکسو و لابی‌های همراهان آنها در بیرون از قوم‌محریه از سوی دیگر به‌عنوان یکی از کلیدی‌ترین عوامل رخ‌دادن چنین وضعیتی به‌شمار می‌رود؛ تا آنجا که ایشان در مقام ادبای هم‌پران از مادر سعی در تعریف و تدوین شعار اعتدالگرایی دولت اردو و با تقصیر به رای این مدعا ضرورت یافت و حضور خود در عرصه‌های مدیریتی را توجیه می‌کنند و در این رویه تا آنجا پیش می‌روند که دولت را به سبب به‌کارگمارن اصلاح‌طلبان - به‌عنوان تأثیرگذارترین حامیان حسن روحانی از ایام انقلاب- در عرصه‌های مدیریتی مورد شمسات قرار داده و مدعی‌اند که چنین شیوه و مرامی اعتدالگرایی روحانی را به احراف می‌کشاند! اما آنچه ممکن است در تحلیل رفتار دولت در انتخاب‌ها و انتصاب‌هایش مورد غفلت قرار گیرد و در محدودیت دولت در انتخاب مدیران توانمند و عین حال همراه با اندیشه‌های دولت است گذشت بیش از سده‌ها از انقلاب اسلامی و عبور سلیقه مدیریتی اغلب مدیران از مرز بازنشستگی سبب ایجاد بافتی فرسوده و در عین حال مرده‌ان در عرصه مدیریتی به‌ویژه برای اصلاح‌طلبان و اعتدالگرایان شده است. اصلاح‌طلبان و تکنوکرات‌ها که تا سال ۸۴ ضرورت و دغدغه کادرسازی و توانمندسازی بدنه اجتماعی و همراه خود را نداشتند از رهگذار چنین نگرشی تا سال ۸۴ هیچ پشتوانه و ذخیره اطمینانی از مدیران همفکر جوان و نیز زن را برای خود ایجاد نکردند. در سال‌های ۸۴ تا ۹۲ نیز به‌مدت نگاه حذفی و یک‌سورنگاره دولت وقت هرگونه فرصت و مسیری برای ارتقای جوانان و زنان اصلاح‌طلب و نوگرا بسته شد. درواقع دولت یازدهم جدای از تمامی مشکلات پیش‌رو با گزینه‌هایی اندک، تکراری و- در عرصه مدیریت‌های میانی و به‌ویژه مدیریت در استان‌ها و شهرهای کشور روبه‌رو شده است. این است که جوانان و زنان همراه و همفکرش در این سال‌های عسرت و هجرت با اِرادای مثال‌زدنی دست به خودسازی و توانمندسازی فردی زداند و توانستند با ارتقای فردی خویش، بخش عمده‌ای از محدودیت‌های اداری و اجتماعی را جبران کنند؛ توانمندی‌ای که گرچه کارایی‌اش منوط به‌همراهی به پرداخت هزینه‌های پرسنلی بود، یعنی فقط حقوق داده‌اند. مبنی از این بودجه اختصاص نیابد. در سال ۹۲ تنها بودجه‌ای که از معاونت امور زنان ریاست‌جمهوری هزینه شده، مربوط به پرداخت هزینه‌های پرسنلی بود. در عمل مبنایی برای بودجه ۹۳ خواهد بود و همین موضوع کار خاتم مولارودی را دشوار خواهد کرد. یعنی به‌نظر شما امکان ندارد بودجه افزایش یابد؟ امیدوارم بتوانند از طریق لابی و رایزنی اختصاص کار در صد از هزینه وزارتخانه به امور زنان را دوباره زنده کنند. ادامه در صفحه ۹	



عکس: امیر چرچری/شرق

باز خوانی ۳دهه چالش برای افزایش مشارکت زنان در گفت‌وگو با «زهر ا شبجایی»:

باور به توانمندی زنان «تزریقی» نیست

در همان زمان وقتی ما پیشنهاد معاونت اجرایی رییس‌جمهوری را مطرح کردیم ایشان گفتند فعلا در حد دفتر تأسیس شود و اگر موفقیت‌آمیز بود، آن را از تقا خواهیم داد.

ا خاتم شبجایی بگذارید تعارف‌های معمول را کنار بگذاریم، آیا ایده‌های اینجینینی نوعی خرید زمان برای توسعه مشارکت سیاسی خانم‌ها نیست؟ اگر بخواهیم بر مبنای «رشد پله‌پله» مسایل زنان گام برداریم در همین چنددهه تنها موقعیت‌های دکوری و تکراری به زنان تعلق گرفته و کمتر تغییر اساسی را شاهد هستیم؟

به‌نظر من آسیب‌شناسی پایین‌بودن سطح مشارکت عالی سیاسی زنان نیازمند کار مطالعاتی بوده و نیازمند بررسی عوامل ساختاری، درونی و فرهنگی است. تلاش برای افزایش حضور زنان در پست‌های کلیدی و میانی نیازمند یک مجموعه از اقدامات است. اما تا به حال اغلب تک‌عاملی پیش رفته‌ایم، مثلا گفت‌های سهمیه ۳۰ درصدی برای حضور زنان در مجلس می‌خواهیم اما عوامل دیگر را در نظر نگرفته‌ایم.

ا یعنی اینکه خود فعالان حقوق زن نیز همه‌جانبه به مسایل نپرداخته‌اند؟

بله، در همین مورد مشارکت ۳۰ درصدی زنان در انتخابات مجلس قضیه سهمیه‌بندی را دنبال کردیم و در کنار آن به توانمندسازی زنان در استان‌های مختلف پرداختیم اما یک موضوع را فراموش کردیم و آن هم ماجرای رصلاحیت زنان در همان انتخابات بود. البته روی بر گه‌ها نوشته بود: «عدم احراز صلاحیت لازم» و مساله رصلاحیت به مفهوم همیشگی در میان نبود. اگر ما تمام جوانب کار را می‌دیدیم، ماجرای «عدم‌احراز صلاحیت لازم» برای زنان نامزد در انتخابات مجلس به وجود نمی‌آمد. یعنی ما روی عامل فرهنگی کمتر کار کرده‌ایم، مثلا باید می‌رفتیم با مراجع تصمیم‌گیری و گروه‌های ذی‌نفوذ ملاقات می‌کردیم تا رویکرد و نگاهشان به مشارکت سیاسی زنان در انتخابات تغییر کند.

ا یعنی مساله دیگری برای رصلاحیت نبود و صرفا ناشناخته‌بودن یا چهره‌نبون زنان عامل اصلی بود؟

بله، دقیقا می‌گفتند «عدم‌احراز صلاحیت»، نه «احراز عدم‌صلاحیت». یعنی شناخته‌شده‌نبودن. این یک بحث اساسی است. من این مساله را به یک بیمار که چند بیماری توانمان داره، تشبیه می‌کنم. اگر بخواهیم تنها یک درد بیمار را درمان کنیم و دردهای دیگر را نادیده بگیریم، ممکن است بیمار از دست بی‌رود. در دوره دولت قبلی- احمدی‌نژاد- نگران این بودند که مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف کافی است و حالا دیگر مشارکت بیشتر عامل خطر است و بنیان خانواده را تهدید می‌کند و به عامل خلواده صرف پرداختند. به این ترتیب این مساله را به‌طور کلی از دستور کار حذف کردند. خب امیدواریم که با توجه به صحبت‌ها خاتم ملارودی تغییری در مباحث مرتبط به مشارکت سیاسی زنان در جامعه به وجود آید.ایشان خوشبختانه نگاه خوبی به این مساله دارند و موضوع را عمیق دیده‌اند. خاتم ملارودی به‌جای حرکت‌های نمایشی معتقد است باید نظارت راهبردی و نظارت و ارزیابی داشته باشیم و راه‌حل ما دهیم.

ا فکر می‌کنید مساله مشارکت زنان با آیین‌نامه و بخشنامه‌های دولتی و دستور توسعه یابد؟

رخداد مشارکت زنان با بخشنامه حل‌شدنی نیست و دستور از بالا به پایین مساله حل نمی‌شود. در دوره اصلاحات ما رشد ۴۰درصدی مدیریت زنان را داریم و البته این امری بی‌سابقه است. در این دوره ما هم بخشدار و فرماندار زن داریم و هم چهار معاون وزیر البته خب زن وزیر نداشتیم. اما برای

نخستین‌بار سد مرده‌ان ورود زنان به هیات دولت شکسته شد. همچنین توانستیم برای نخستین‌بار در تاریخ جمهوری اسلامی ۵۴۳ جایگاه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در سراسر کشور برای زنان به‌وجود آوریم. این جایگاه‌ها در شوروی برنامه‌ریزی و توسعه استان‌ها و کارگروه‌های زیرمجموعه آن شکل گرفت. در چندین شورایعالی و دو کمیسون که گلوگاه بودند خاتم‌ها عضو بودند، مثل الان نبود که لایحه یک‌درصد بودجه مربوط به زنان در کمیسون تلفیق حذف شود و نگاه همراهی با طرح‌های زنان وجود نداشته باشد. در زمان آقای خاتمی در هیات دولت نخستین کاری که کردیم بحث ورژش زنان بود. مصوب شد تا از فروش هر نخ سیگار درصدی به ورژش زنان اختصاص یابد.

ا ایجاد ۵۴۳جایگاه تصمیم‌سازی چه تاثیری داشت؟

ببینید در استان‌ها شوروی برنامه‌ریزی و توسعه استان با ۱۹کارگروه فعالیت می‌کردبندی وجود داشت که دو نفر از استان دانشگاه یا نمایندگان سازمان‌های غیردولتی عضو این کارگروه‌ها باشند. من گفتم حداقل یکی از اینها خاتم باشد. اینچنین بود که استانداران موظف شدند زنان توانمند استان‌شان را شناسایی کنند.

ا و البته تا جایی که می‌دانم این ایده الزام در دوره آقای احمدی‌نژاد، به فراموشی سپرده می‌شود؟

بله، شورای برنامه‌ریزی توسعه و کارگروه‌ها همه منحل شد. **ا حضور در سمت‌های مدیریتی چه تجربه‌هایی برایتان به دنبال داشت؟**

تجربه‌ای که در طول هشت‌سال حضور در جلسه‌های هیات وزیران کسب کردم، بسیار بیشتر از تحصیلات دانشگاهی برای من مفید بود. گویی همه مباحث تئوریک را در عمل می‌آموزی و واقعا نحوه نظر یا عمل تفاوت چشمگیری دارد که زنان تنها با حضور در سمت‌های سیاسی و مدیریتی می‌توانند به چه‌چیز امور آن آگاه شوند.

ا شما از همان ابتدای انقلاب در شوروی فرهنگی اجتماعی زنان مشغول بودید و بعدتر در دفتر امور زنان کار کردید تا اینکه وارد هیات دولت شدید، اما حضور در جمع وزرا چه چالش‌هایی برای شما به‌دنبال داشت؟

از سال ۶۸ موسس کمیسون‌های شورای بانوان بودم و تجربه عضویت در شورای فرهنگی اجتماعی زنان هم به آن افزوده شد تا اینکه ستاد امور بانوان وزارت آموزش‌وپرورش را فعال کردم که ادامه دو تجربه قبلی بود. به این ترتیب تجربه حضور من در هیات‌دولت و جمع وزرا شاید از یک جهت اتفاق تازه‌ای نبود چراکه خیلی از وزرا از همکاران پیشین بودند.

ا یکی از ایده‌های کاربردی دوران شما اختصاص ۲۵/درصد از اعتبار وزارتخانه‌ها برای امور زنان بود، ایده مرکز امور زنان از سوی هیات‌دولت و مردان کابینه با چه واکنشی همراه شد؟

خوشبختانه همراهی مردان به‌خوبی توانست به کار ما بیاید، زمانی که ما بودجه ۲۵/درصد را برای زنان گذاشتیم، آقایان برای هزینه‌کردن این بودجه سبقت گرفته بودند. به هر شکل یکی از شاخص‌های موفقیت یک مدیر، نحوه هزینه‌کردن درست یک بودجه است و به همین خاطر مردان کابینه آقای خاتمی به‌خوبی در «هزینه‌کرد» بودجه ۲۵/درصد اقدام می‌کردند.

ا به هر حال گفت‌وگو و ایجاد یک نگرش جنسیتی به مسایل زنان در این زمینه تاثیرگذار بوده؟

بله، تا آن نگرش درست نشود کار پیش نمی‌رود. ما نمی‌خواستیم کار سطحی انجام شود. یکی از وزرای کابینه به من می‌گفتند می‌خواهید چه‌کار کنید؟ یعنی وزارت آموزش‌وپرورش را زنانه - مردانه کنید؟ یعنی آن اوایل نگرش‌ها اینطور بود. اما



آمده شیر افکن

گفت‌وگو درباره مشارکت سیاسی زنان در روزهایی که تنها شعارهای همیشگی بر سر زبان‌هاست، شاید آب در هاون کوبیدن به‌نظر برسد، اما باز خوانی – هر چندبیاره – دلایل پایین‌بودن نرخ مشارکت سیاسی زنان شاید تلنگری باشد برای مدیرانی که اغلب به شوخی و طعنه از کنار این مسایل عبور می‌کنند. اما حالا با گذشت چهاردهه از پیروزی انقلاب اسلامی، مشارکت سیاسی پایین زنان در عمل و نه در شعار، به یک مساله جدی تبدیل شده است. «زهر ا شبجایی» به اندازه عمر انقلاب ایران، تجربه مشارکت سیاسی دارد هم در دولت هاشمی،فستجناتی فعالیت داشته و هم در دوران اصلاحات مشاور سیدمحمد خاتمی در امور زنان بوده. در دوران «محمود احمدی‌نژاد»، نیز به‌خوبی توانسته وضعیت را رصد کند و حالا با تجربه‌ای چنددهه‌ای از نگرانی‌های پیش‌روی مشارکت سیاسی زنان در دولت تدبیر و امید سخن می‌گوید، اینکه «در کارنامه گذشته مدیران دولت فعلی چندان عملکرد مثبتی که حاکی از نگرش به توانمندی زنان باشد، مشاهده نمی‌کنیم بنابراین نمی‌شود انتظار بیشتری داشت.» و همچنین تاکید دارد دولت احمدی‌نژاد، نیز به‌خوبی توانسته وضعیت را رصد کند و حالا با تجربه‌ای چنددهه‌ای از نگرانی‌های پیش‌روی مشارکت سیاسی زنان در دولت تدبیر و امید سخن می‌گوید، اینکه «در کارنامه گذشته مدیران دولت فعلی چندان عملکرد مثبتی که حاکی از نگرش به توانمندی زنان باشد، مشاهده نمی‌کنیم بنابراین نمی‌شود انتظار بیشتری خواهد گرفت. زهر ا شبجایی تاکید دارد همراهی مدیران مردمی تواند در عملیاتی شدن ایده‌برابری زنان و مردان کارساز باشد. چنانچه در روایتش از سال‌های حضور در مرکز امور زنان به پیشنهاد محمد ستاری فر، رییس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی اشاره دارد، او توانست ایده مرکز امور زنان برای افزایش بودجه را در قالب پیشنهاد اختصاص ۲۵/درصد از بودجه وزارتخانه‌های امنوز زنان را پیش پای مرکز امور زنان قرار دهد؛ ایده‌ای که توانست بودجه این مرکز را به ۲۲میلیارد تومان افزایش دهد.

ا تقریبا دولتی سر کار نایمده که در زمان تبلیغات انتخاباتی به زنان وعده‌های کوچک و بزرگ نداده باشد. اما حاصل اغلب این‌هاغلب نادیده‌کننده بوده. فکر می‌کنید دلیل این امر چیست؟

باور به توانمندی و مشارکت سیاسی زنان را با اجبار نمی‌توان به آقایان تزریق کرد. اگر تفاوتی در رفتار مدیران ارشد در دوره‌های مختلف مشاهده می‌کنید، ریشه آن به رویکرد و باور آنها نسبت به توانمندی و سرمایه انسانی زنان بازمی‌گردد. چنانچه در عمق باورهای فکری، سیاسی و اجتماعی آقای خاتمی علت جزودی کم یا تحت‌تاثیر هيجان‌هاى سياسى براى جلب آراى مردم دست به کارهای می‌زنند که چون این حرف‌ها زبیرنا و بن‌مایه‌های فکری آنها نیست، رفتار و بندار آنها متناقض می‌شود. برای نمونه در یک طرف بحث حضور و مشارکت سیاسی زنان مطرح می‌شود و در همان حال شاهد سیاست‌های تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها هستیم.

از یک‌سو، وزیر زن انتخاب می‌شود و در همان دولت قوانینی چون «دور کاری» برای زنان و کاهش ساعت کاری آنها مطرح است. البته برخی هم اگر در مقام استدلال قرار گیرند، این واقعیت را می‌پذیرند؛ مانند شخص آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، چنانچه زمان دولت ایشان نخستین‌بار تشکیلات دفتر امور زنان به‌وجود آمد و با حرف‌هایی که با ایشان زدیم، توانستیم دولت آن زمان را نسبت به شکل‌گیری چنین سازوکاری قانع کنیم. البته